

دکتر منصور امانی  
عضویت علمی گروه تاریخ  
دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر

## بررسی جایگاه خاص ایل بختیاری در انقلاب مشروطه

### چکیده :

یک ائتلاف بزرگ مردم شهری و عشایر علیه محمد علی شاه قاجار بوجود آمد و ایسل بختیاری به رهبری حاج علی قلی خان سردار اسعد با پیوستن به این ائتلاف یک نقش بزرگ ملی را در کشور خود و دگرگونی رژیم به عهده گرفت. حضور این ایل از دو زاویه قابل توجه است :  
اول- نقش رهبری سردار اسعد برای بختیاری و میزان گستردگی فهم وی از مشروطیت.  
دوم- روابط قبیله ای و اطاعت از رئیس ایل در حمایت از مشروطیت.  
پس از پیروزی انقلاب مشروطه مقام نیابت سلطنت به حاج علی قلی خان سردار اسعد به پاس زحماتش پیشنهاد شد اما وی به اشتباه از پذیرش آن خودداری کرد و همین اشتباه سبب شد تا با پیدایش شرایط جدید سیاسی در آینده کشور، بزرگان بختیاری ناچاراً و جبراً از صحنه سیاست ایران حذف گردند.

**کلید واژه ها :** ایل بختیاری- حاج علی قلی خان سردار اسعد- انقلاب مشروطه

## مقدمه:

ناصرالدین شاه در روز جمعه هفدهم ذی القعدة سال ۱۳۱۳هـ. ق توسط میرزا رضا کرمانی کشته شد و روز یکشنبه ۲۵ ذی الحجه ولیعهد او، مظفرالدین میرزا، بدون تشریفات وارد پایتخت شده و در سن ۴۴ سالگی پس از ۳۰ سال ولایتعهدی بر تخت سلطنت نشست.<sup>۱</sup>

تحولات فکری ایران قبل از برتخت نشستن او (مظفرالدین شاه) مسیر خود را سپری کرد.<sup>۲</sup> مردم ایران که از ظلم و جور و فساد و فقر<sup>۳</sup> و امتیاز بیگانگان<sup>۴</sup> سرکشی و خود سری حکام، خسته شده بودند، با الهام از قیام امام حسین (ع) در مقابله با ظالم و ستمکار و به عللی از قبیل ستم پادشاهان<sup>۵</sup>، مالیاتهای سنگین، بی لیاقتی شاهان، تحمیل دو قرارداد ننگین در زمان فتحعلی شاه، امتیازات بیگانگان، نوشته های متفکران (از قبیل: میرزا صالح شیرازی، سید جمال الدین اسدآبادی و میرزا آقاخان کرمانی و... روزنامه ها، بحران مالی<sup>۶</sup> عدم عدالت<sup>۷</sup> در زمینه داخلی و شکست روسیه از ژاپن<sup>۸</sup> مسافرتها پرخرج شاهان قاجار<sup>۹</sup> تحصیل دانشجویان در اروپا و تاثیر یافتن از قانون اروپائیان، از دست رفتن ایالات<sup>۱۰</sup> و دریافت قرض<sup>۱۱</sup> در زمینه خارجی. یک ائتلاف بزرگ با شرکت مردم شهری و عشایر علیه شاه قاجار بوجود آوردند، و بختیارها قادر بودند که به این ائتلاف پیوسته و خوانین آن ایل یک نقش بزرگ ملی رادركشور خود و دگرگونی رژیم به عهده گیرند و سردار اسعد در بین این خوانین از همه بیشتر شایستگی آن را داشت که نقشی مهم را ایفا نماید<sup>۱۲</sup> تا نقطه ای افتخار آفرین در تاریخ ایران محسوب گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## حضور ایل بختیاری در انقلاب مشروطه

از دو زاویه می توان حضور ایل بختیاری را در انقلاب مشروطه مورد توجه قرار داد. اول: زاویه فهم سردار اسعد نسبت به مشروطیت که خود از رهبران آن بود. دوم: روابط قبیله ای عقب مانده بخصوص ارتش سردار اسعد که اکثر آنان فهم درستی از مشروطیت نداشتند و فقط به اطاعت از رئیس ایل به حرکت در آمده اند. آنان در مقابل رئیس قبیله مطیع محض بودند و هرچه خان می گفت بدون چون و چرا اطاعت می کردند. چنانکه «حاج سیاح» که برای تشویق بختیارها به حمایت از مشروطیت به منطقه آنان سفر کرده بود، در این خصوص می نویسد:

«روزی یکی از تفنگچیها را که پیاده بود به کالسکه دعوت کردم. و

در ضمن صحبت پرسیدم. می دانی مثلاً کجا و برای چه کار می رویم؟ گفت:

خیر، مطیع «سرداریم»، هرچه امر کند، اطاعت می کنیم. گفتیم: من چندین مرتبه به مکه مشرف شده ام و پیرمردی هستم که همیشه خیر خواه بیچارگان و ضعفا بوده ام، چندین مرتبه هم کربلا و مشهد مشرف شده ام، اگر حضرت سردار امر کند که مرا بکشی چه خواهی کرد؟ گفت: می کشمت، التماس هم بخرجم نخواهد رفت»<sup>۱۳</sup>

پاولویچ علت پیوستن بختیارها به انقلابیون مشروطه خواه را، مسائل اقتصادی دانسته است.<sup>۱۴</sup> بعضی از اشخاص نیز معتقدند که بختیارها به عشق غارت رفتند تا مشروطیت. اما این نظریات توسط بسیاری از مورخان و اندیشمندان پذیرفته نیست. چنانکه «غلامرضا میرزائی» در این خصوص می نویسد:

«شاید منظور پاولویچ از این سخن آن است که بیکاری باعث جذب آنان به انقلابیون شد. در این صورت محمد علی شاه قبل از انقلابیون از آنها تقاضای نیرو کرد. ولی در مجموع سیصد و پنجاه نفر به سپاه او پیوستند. اگرچنین مشکلی داشتند، در سپاه محمدعلی شاه حتی فرصت غارت شهرهایی که برای سرکوب آنها می رفتند، وجود داشت ولی برعکس در جبهه مجاهدین از آنان خواسته می شد تا از تعدی به مردم جلوگیری شود بنا بر این چنین استدلالی را مشکل می توان پذیرفت»<sup>۱۵</sup>

اما از هر که دیدی که به آن بنگریم، حرکت بختیاری ها، یک عمل بسیار مثبت در تاریخ ایران ثبت گردید و البته نشان داد که اگر این ایل، اختلافات را کنار گذاشته و ائتلاف و اتحاد یابد چه کارهای عظیمی که می تواند بکند بخصوص که این نیروی قدرتمند تحت قیادت شخصی خردمند و صالح در اختیار و خدمت ملت جهت اقتدار و عظمت دولت مردمی و میهن عزیز قرار گیرد. عبدالله بهرامی در این خصوص می نویسد:

«... در نهضت مشروطه، خدمات بختیارها غیر قابل انکار است. حتی می توان گفت که اگر سواران آنها در تحت قیادت سردار اسعد به طرف تهران اتفاق نمی افتاد، محمد علی میرزا به این سهولت میدان را خالی نکرده و به سفارت پناهنده نمی شد»<sup>۱۶</sup> پاولویچ نیز در این باره می نویسد: «پس از

تصمیم جسورانه قبایل جنگجوی بختیاری دایر بر طرفداری از قوای انقلابی، ستاره اقبال ارتجاع روبه زوال گذاشت»<sup>۱۷</sup>

سابلین نیز می گوید:

«خبر مربوط به حرکت بختیارها موجب وحشت شدید شاه گردیده است. اعلیحضرت روزی چند بار معتمدین خود را نزد من می فرستد که پرسند که او چه کار کند و به چه اقدامی دست زند»<sup>۱۸</sup>.

بنابراین بختیارها در خلال سالهای ۱۹۱۱-۱۹۰۵ در یک مسیر مهم و پر تشنج گام نهاده و رهبری جنبش مشروطیت ایسران را برعهده گرفتند.<sup>۱۹</sup> با صدور فرمان مظفرالدین شاه در تاریخ ۱۳ مرداد ماه (۱۲۸۵ شمسی ۵ اوت ۱۹۰۶م) (۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ ه.ق) خطاب به میرزا نصرالله مشیرالدوله، حکومت ایران به مشروطه مبدل شد.<sup>۲۰</sup>

مجلس شورای ملی در روز ۱۴ مهر (۱۲۸۵ شمسی) در کاخ گلستان تشکیل گردید و هیأتی مأمور تدوین قانون شد و قانون مزبور به نام نظام نامه سیاسی در ۵۱ اصل تهیه و تنظیم و از تصویب نمایندگان به توشیح شاه رسید. مظفرالدین شاه هشت روز پس از امضاء قانون اساسی در ۱۸ دی (۱۲۸۵ شمسی) در گذشت و محمدعلی میرزا ولیعهد به جای او بر تخت سلطنت نشست و احمد میرزا را به ولیعهدی انتخاب کرد و خود نیز به مخالفت با رژیم مشروطه برخاست.<sup>۲۱</sup>

در مارس (۱۹۰۷م) اصفهان علیه ظلم و ستم ظل السلطان که قریب ۳۸ سال بر آن شهر حکومت داشت قیام کرد. ناگزیر ظل السلطان از مقام خود کناره گیری کرد.<sup>۲۲</sup> در بهار سال (۱۹۰۹م) شورش علیه محمد علی شاه سراسر ایران را فرا گرفت. در همان سال قرار دادی در ایذه (مال امیر) در تاریخ ربیع الاول (۱۳۲۷ ه.ق) مطابق با سوم آوریل (۱۹۰۹م) میان دو خانواده ایلخانی و حاجی ایلخانی منعقد شد که مکمل قرارداد (۱۸۹۵م) است. انگیزه آنها برای انعقاد این قرارداد تنها مشارکت در جنبش مشروطه بوده است.<sup>۲۳</sup>

در همان سال نیز صمصام السلطنه شهر اصفهان را به تصرف در آورد و شخصاً حفظ نظم و امنیت شهر را به عهده گرفت.<sup>۲۴</sup> وقتی خبر تجاوزات اقبال الدوله «ماکو» و وقایع دیگر به اصفهان رسید، برای بررسی این وقایع، توسط بختیاری ها انجمن ولایتی تشکیل گردید و مردم نیز از این حرکت استقبال نمودند. به طوری که جمعی از زنان شهر، طلاها و جواهرات، ظروف مسی و فرش های خود را در محل انجمن آورده و می گفتند اثاثیه ما را فروخته از برادران و خواهران ما کوبی ما رفع ظلم کنید.<sup>۲۵</sup>

در ۱۷ ژوئن هشتصد نفر بختیاری که در رأس آنها «خانها» (سردار اسعد) یوسف خان، امیر مجاهد، مرتضی قلی خان و جمع دیگری از سران بختیاری سید احمد نوربخش و دکتر دانشور) قرار داشتند، از اصفهان به سمت تهران به حرکت در آمدند.<sup>۲۴</sup> در تاریخ بیست و ششم ژوئن (۱۹۰۹) دومین دسته سوار بختیاری اصفهان را به قصد تهران ترک گفت و در اوایل ژوئیه اردوی جنوب سردار اسعد از قم به طرف تهران حرکت کرد و برخلاف همیشه در انا این لشکر کشی خوانین بختیاری اتحاد و اتفاق خود را حفظ کرده بودند. در روز سیزدهم ژوئیه قوای بختیاری و مجاهدین بدون درگیری های شدید وارد تهران شدند، و مراکز حساس شهر را از قبیل محل سفارتخانه ها را اشغال کردند. تعدادی گشتی در گوشه و کنار شهر به پاسداری گماردند و نیروی آزادی خواهان شمال نیز به سرکردگی سپهدار از دروازه جنوبی وارد پایتخت شدند. ولی بیشتر قوای مجاهدین به سرکردگی حاج علی قلی خان سردار اسعد در قرارگاه خود در خارج پایتخت باقی ماندند تا آتشبارهای خود را در نقاط سوق الجیشی مستقر کنند. سرانجام سردار اسعد و سپهدار در عمارت بهارستان اقامت کردند و عده ای از قوای مجاهدین در شهر و بقیه در حومه پایتخت مستقر شدند.<sup>۲۷</sup> محمد علی شاه که به همراه درباریان از ترس مجاهدین از شب تا صبح نخواستید بود، به اتفاق پانصد تن از سربازان و وابستگان و سران و مرتجعین به نام و امیر بهادر جنگ به سفارت روس در زرگنده پناهنده شد. در روز ۲۷ جمادی (۱۳۲۷ ه. ق) ساعت چهار بعدازظهر در بهارستان مجلس مهمی به نام مجلس عالی که عده آن در حدود پانصد نفر بود تشکیل شد و به وسیله اعضای کمیسیونی توسط این مجلس انتخاب شده بودند و کسانی را به شرح زیر برای وزارت انتخاب نمودند:

سپهدار: وزیر جنگ	سردار اسعد: وزیر داخله
ناصر الملک: وزیر خارجه	فرمانفرما: وزیر عدلیه
مستوفی الممالک: وزیر مالیه	سردار منصور: وزیر پست و تلگراف

مقام نیابت سلطنت را به حاج علی قلی خان سردار اسعد پیشنهاد کردند و او از قبول آن خود داری کرد<sup>۲۸</sup> و در جواب کسانی که علت عدم قبول این مقام را جویا شده بودند گفته بود:

« من چون دارای برادران و عموزادگانی هستم که همطراز من می باشند و مسلماً این مقام موجب می شود که در خانواده ام اختلاف و اختلالانی بوجود آید. این است که از این مقام، حتی مقام بالاتر هم صرف نظر می نمایم.»<sup>۲۹</sup>

روز چهارم رجب سال (۱۳۳۷ هـ. ق) در حالی که احمد شاه در کاخ برلیان رسماً جلوس می کرد، محمدولی خان تنکابنی وزیر جنگ سمت راست و علیقلی خان سردار اسعد وزیر داخله سمت چپ او قرار داشتند. عقب آنها جعفرقلی خان سردار بهادر (پسر سردار اسعد)، محمدرضا خان سردار فاتح بختیاری و علاء الدوله و تعداد دیگری از مجاهدین صف بسته بودند و موقع نواختن موزیک سلام، حاج علیقلی خان دست روی شانه احمد شاه گذاشته، این شعر را خواند:

ز توران به ایران ز ایران به تور      ز بهر تو پیمودم این راه دور<sup>۳۱</sup>

در فاصله انقلاب مشروطیت تا به سلطنت رسیدن رضا خان، نقش سران بختیاری، در سرکوب شورشها و مخالفین مشروطه و یا شورشهای دیگر، به طور واضح نمایان است. در حقیقت آنان توانایی هر عملی را داشته و صاحب اختیار سرنوشت ایران شده بودند. آنان بعد از انقلاب مشروطیت اغلب در کابینه ها به عنوان نخست وزیر و وزیر شرکت داشتند و یا در سمت فرماندار و استاندار به شهرستانهای مختلف اعزام می شدند و درآمد سرشاری نیز داشتند.<sup>۳۱</sup>

قدرت و توانائی رزمی آنان بسیار بود و در تاریخ معاصر ایران بعنوان قبیله ای هم عرض با ایل قاجار، حرکات سیاسی مهمی از خود بروز داده بودند، اما همیشه اختلافات داخلی سرراه آنها بود. سردار اسعد همواره نگران این اختلاف بود و از وزیر مختار انگلیس می خواهد تا اهمیت اتفاق و همکاری بختیاری را به خوانین در تهران و اصفهان جهت رژیم مشروطه تاکید نمایند. ظاهراً پس از آرام شدن اوضاع ایران (با سپری شدن بحران تهاجم محمدعلی میرزا و مسأله التیماتوم) سردار اسعد به فکر تثبیت قدرت خود افتاد و حتی تاج و تخت را نیز داشت، تا آنجا که با محافل سیاسی بند و بستهایی می کند. اما دیگر دیر شده بود چون شیوه حکومت بختیارها، که شیوه ای اشرافی بوده و ظلم و اجحاف زیادی را به مردم وارد می ساختند. هر کدام حکومت ایالت و شهری را در دست گرفته و فقط به فکر پر کردن جیب خود بودند، مردم را خسته و ناراضی نمود، مردم اصفهان به مخالفت با آنان بر می خیزند. چنانکه سردار ظفر درباره شیوه حکومت فرزندانش در کرمان می نویسد:

« اگر بخوام از رفتار و کردار زشت و ناهنجار این پسرها که از زن

اولم... بود...، بنویسم صفحه تاریخ بختیاری لکه دار و نام بختیاری ننگ آلود

خواهد شد»<sup>۳۲</sup>

عشایر جنوب قشقایی ها و شیخ خزعل مخالف دست یابی سردار اسعد به تاج و تخت بودند، بطوریکه در آوریل سال (۱۹۱۰م) خوانین جنوب قراردادی امضاء کردند که قدرت سردار اسعد را محدود کنند و بین نمایندگان مجلس تفرقه اندازند.<sup>۳۳</sup>

لذا سردار اسعد موفق نشد که به تاج و تخت ایران دست یابد و اگر چه خود او نیز تمایل به این کار نداشت، ولی عملاً نیز نمی توانست داشته باشد. چون مخالفت روسها و تعدادی از ناسیونالیستهای ایرانی و اهرمهای قدرتی که در ایران وجود داشت همانند شیخ خزعل و ایلخانی قشقایی و حتی عده ای از افسراد خانواده خودش و دیگر خوانین که می ترسیدند سردار اسعد قدرت نامحدودی کسب کند و منافع آنان را در خطر اندازد را بدنبال داشت.<sup>۳۴</sup> اما پس از انقلاب مشروطه قدرت همچنان در دست بختیارها ماند و این قدرت، با استفاده از قوای نظامی بدست آمده بود. چون طرز فکر و اندیشه رهبران بختیاری (به جز سردار اسعد) مانند قاجارها و اشراف زادگان دیگر نظیر محمد ولی خان سپهدار بود.<sup>۳۵</sup> لذا با وجود موانع داخلی و خارجی و عدم حمایت بریتانیا و توسعه و گستردگی اتحاد ملی و ظهور رضاخان در صحنه سیاست ایران و تغییر سیاست انگلیس در خاورمیانه به ویژه ایران و گرایش به ایجاد یک حکومت متمرکز و مقتدر و پراختیار، دیگر جایی و امیدی برای ماندن این خوانین نیمه مستقل در رأس قدرت باقی نماند. خوانین که قبلاً با شکل گرفتن چنین قدرتی در تهران آمادگی و تجربه نداشتند و طبق سنت موروثی، اختلافات درونی خود دارای سیاست واحدی نبوده و نتوانستند بر موانع موجود پیروز گردند، پس جبراً و ناچاراً شکست خوردند و از صحنه سیاست ایران (به عنوان مهره های اصلی قدرت) حذف گردیدند.<sup>۳۶</sup>

## نتیجه گیری :

نقش حاج علی قلی خان سردار اسعد در خدمات بختیارها به نهضت مشروطه غیرقابل انکار است. حتی می توان گفت که اگر حرکت سواران بختیاری در تحت قیادت سردار اسعد به طرف تهران اتفاق نمی افتاد محمد علی شاه قاجار به این سهولت میدان مبارزه را خالی نمی کرد و مشروطیت پیروز نمی شد. پس از تصمیم جسورانه ی قبیله جنگجوی بختیاری به طرفداری از قوای انقلابی مشروطه خواه ، ستاره اقبال ارتجاع رو به زوال گذاشت بخصوص که برخلاف همیشه در اثناء فتح تهران خوانین بختیاری در سایه ی درایت حاج علی قلی خان سردار اسعد اتحاد و اتفاق خود را حفظ کردند. اما اشتباه بزرگ سردار اسعد آن بود که از پذیرفتن مقام نیابت سلطنت خودداری کرد و همین امر باعث شد که نتواند به تاج و تخت ایران دست یابد. لذا آنان با وجود موانع داخلی و خارجی و پیدایش شرایط جدید در آینده ی نزدیک از صحنه ی سیاست و قدرت ایران حذف گردیدند و دیگر نتوانستند قدرت گذشته را بازیابی کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## یادداشتها:

- ۱- میرزایی، غلامرضا، بختیارها و قاجاریه، (شهرکرد، انتشارات ایل، ۱۳۷۳)، ص ۲۱۴.
- ۲- حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰)، ص ۱۱.
- ۳- الگار، حامد، پژوهشی در باب تجددخواهی ایرانیان، ترجمه جهانگیر عظیمیا (تهران، انتشارات مدرس، ۱۳۶۹)، ص ۲۰۹.
- ۴- تیموری، ابراهیم، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، (تهران، انتشارات اقبالی، ۱۳۲۲)، ص ۸۶.
- ۵- انصاف پور، غلامرضا، ایران و ایرانی، (تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۳)، چاپ اول، ص ۳۵۲.
- ۶- پاولویچ، م، سه مقاله درباره ی انقلاب مشروطه ایران، ترجمه م. هوشیار، (تهران، انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۷)، چاپ دوم، ص ۱۴.
- ۷- ورهرام، غلامرضا، تاریخ سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجاریه، (تهران، انتشارات معین، ۱۳۶۹)، چاپ دوم، ص ۳۱.
- ۸- ملک زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، (تهران انتشارات علمی، ۱۳۶۳)، چاپ دوم، جلد اول، ص ۹۴.
- ۹- کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، (تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲)، جلد اول، ص ۳۰.
- ۱۰- رضوانی، محمد اسماعیل، انقلاب مشروطیت، (تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۲)، چاپ دوم، ص ۵۲.
- ۱۱- آهنجیده، اسفندیار، ایل بختیاری و مشروطیت، (اراک، انتشارات ذره بین، ۱۳۷۴)، چاپ اول، ص ۶۴.
- ۱۲- گارنویت، جن. راف، تاریخ سیاسی و اجتماعی، ترجمه مهرباب امیری، (تهران، انتشارات آرزان، ۱۳۵۷)، ص ۲۴۸-۲۴۹.
- ۱۳- سیاح، محمد علی، دوره ی خوف و وحشت، به تصحیح سیف الله گلکار، (تهران انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶)، چاپ دوم، ص ۶۲۵-۶۲۶.
- ۱۴- پاولویچ، م، همان منبع، ص ۷۴-۷۵.

- ۱۵- میرزایی، غلامرضا، همان منبع، ص ۲۷۵.
- ۱۶- بهرامی، عبدالله، آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا، (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳)، ص ۱۲۸.
- ۱۷- پاولویچ، م، همان منبع، ص ۶۱.
- ۱۸- بشیری، احمد، گزارشهای سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری درباره ی انقلاب مشروطه ایران، (تهران، انتشارات نو، ۱۳۶۶)، جلد اول، ص ۲۲۹.
- ۱۹- گارثویت، جن. راف، تاریخ سیاسی و اجتماعی بختیاری، ص ۲۵۲.
- ۲۰- رفیعی، محمد، تاریخ معاصر ایران از آغاز تا انقراض سلسله ی قاجاریه، (تهران، موسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۶۳)، جلد اول، ص ۲۴۴.
- ۲۱- آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت، (تهران، انتشارات روشنگران، بی تا)، ص ۳۷-۳۹.
- ۲۲- دانشور علوی، نورالله، تاریخ مشروطه ی ایران و جنبش وطن پرستان اصفهان و بختیاری، (تهران، انتشارات دانش، ۱۳۳۵)، صفحات ۱۳-۳.
- ۲۳- آهنجیده، اسفندیار، همان منبع، ص ۸۸.
- ۲۴- نامور، رحیم، برخی ملاحظات پیرامون تاریخ مشروطیت، (تهران، انتشارات چاپار، ۱۳۵۷)، ص ۲۲۷-۲۲۶.
- ۲۵- زنان در نهضت مشروطیت شرکت فعالی داشتند. چنانکه عکسی از یک دسته شصت نفری از زنان چادر به سر ایرانی، تفنگ به دست اکنون وجود دارد، و اینان محافظ یکی از سنگرهای تبریز بودند.
- برای اطلاع بیشتر ان.ک: آهنجیده، همان منبع، ص ۱۱۳-۱۱۲؛ پاولویچ، م، همان منبع، ص ۵۵.
- ۲۶- آهنجیده، اسفندیار، همان منبع، ص ۱۴۷.
- ۲۷- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸) چاپ سوم، ص ۸۷۹-۸۷۸.
- ۲۸- آهنجیده، اسفندیار، همان منبع، صفحات ۱۵۶-۱۵۰.
- ۲۹- اوژن بختیاری، ابوالفتح، تاریخ بختیاری، (تهران، انتشارات وحید، ۱۳۶۴)، ص ۲۱۷.
- ۳۰- میرزایی، غلامرضا، بختیارها و قاجاریه، (شهرکرد، انتشارات ایل، ۱۳۷۳)، ص ۲۹۱.

- ۳۱- بهرامی ، عبدالله ، از آخر سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا ، ص ۱۵۳.
- ۳۲- میرزایی ، غلامرضا ، بختیارها و قاجاریه ، ص ۳۰۶.
- ۳۳- گارنویت ، جن. راف ، تاریخ سیاسی و اجتماعی بختیاری ، ص ۲۶۶.
- ۳۴- همان منبع ، ص ۲۷۹.
- ۳۵- همان منبع ، ص ۲۸۱.
- ۳۶- همان منبع ، ۳۱۹.
- ۳۷- امانی ، منصور ، تاریخ ایذه و قوم بختیاری ، (رم انتشارات دارالکتاب ، ۱۳۸۲) چاپ دوم ، جلد دوم ، ص ۲۳۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی